

بررسی اختیار ویژه حکومت در نقض حریم خصوصی شهروندان در شرایط اضطراری

سیدرضا موسوی^۱

سیدمحمد میرخلیلی^۲

سیدحسین هاشمی^۳

چکیده

حق بر حریم خصوصی، یکی از حقوق بنیادی بشر است که بر اساس آن، زندگی و حریم اشخاص باید از هرگونه تعرض و دخالت به ویژه از سوی مقامات دولتی در امان باشد. این امر در شرایط عادی است، اما در صورت بروز وضعیت اضطراری به دلیل اقتضائات و شرایط خاص ممکن است اطلاق حق بر حریم خصوصی با محدودیت مواجه گردد. این محدودیت‌ها از چشم‌انداز حقوق اداری و نیز حقوق جزا قابل بررسی است. از دیدگاه حقوق اداری، در صورت بروز وضعیت اضطراری، مقامات اداری دارای اختیارات ویژه‌ای می‌شوند که گاهی در دوره بحران قابل نظارت قضایی نیستند. از دیدگاه حقوق جزا، حکومت در مسائلی که نتایج زیان‌بار آن متوجه جامعه می‌شود، مثل محاربه، «کشیدن سلاح برای ترساندن مردم»، «افساد فی الارض»، «جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور» و بغی و «قیام مسلحانه در برابر حکومت اسلامی» می‌تواند وارد حریم خصوصی افراد شود. قانون‌گذار ایران به تبعیت از فقه امامیه در شرایط تصریح شده، ورود به حریم خصوصی افراد جامعه را مجاز دانسته است. البته در موضوع جرائم امنیتی مثل بغی باید با تفسیر درست قوانین و تفکیک جرائم علیه امنیت از جرائم سیاسی، راه سوء استفاده و ایزای شهروندان بسته شود. روش تحقیق در این پژوهش از نوع توصیفی و تحلیلی است و در گردآوری منابع از روش کتاب‌خانه‌ای استفاده شده است.

واژگان کلیدی: حق بر حریم خصوصی، وضعیت اضطراری، حکومت، حقوق اداری، شهروندان.

مقدمه

حق بر حریم خصوصی به عنوان حق بر تنها ماندن، آزاد بودن در قبال حفظ اسرار و اطلاعات امور زندگی بدون مزاحمت‌های ناخواسته توسط عموم در موضوعاتی که ارتباطی با جامعه ندارد، تعبیر می‌شود. هم‌چنین به قلمرویی از زندگی شخصی فرد اطلاق می‌شود که انتظار دارد دیگران بدون رضایت یا اعلام قبلی وی یا به حکم قانون یا مراجع قضایی آن را نقض نکنند، از قبیل حریم جسمانی، وارد شدن، نظاره کردن، شنود و دسترسی اطلاعات شخصی فرد. حریم خصوصی، گستره‌ای از عقاید، اعمال، رفتارها، ویژگی‌ها و مختصات هر شخصی است که برای عموم مردم آشکار نیست و وی به افشای آن رضایت ندارد.^۱

به نظر می‌رسد رویکرد امنیتی دولت اسلامی، شاخص‌هایی دارد که فضای حداقلی را برای حمایت از حریم خصوصی فراهم می‌سازد. این موضوع، نیازمند پژوهشی مستقل است، ولی به مهم‌ترین این شاخص‌ها اشاره می‌شود:

۱. محور امنیت در نظام سیاسی اسلام، «مردم» هستند، نه «حکومت»، به این معنا که حکومت، وظیفه تأمین امنیت مردم را دارد و اساساً برای تحقق این هدف تشکیل می‌شود. قدرتی که در اختیار دولت است، مانند یک سلاح شخصی برای تأمین امنیت خود نیست، بلکه مانند سلاحی است که در اختیار پلیس قرار می‌گیرد تا بتواند امنیت و آسایش شهروندان را تأمین سازد. اگر غایت حکومت، تأمین «امنیت مردم» است، پس حکومت نمی‌تواند با سلب امنیت از مردم، امنیت خویش را تحکیم بخشد. امیرالمؤمنین علی (ع) که وجود حکمران را بر مبنای ضرورت تبیین می‌کند، این ضرورت را در تأمین امنیت جامعه به وسیله حکمران می‌داند: «لابد للناس من امیر... فیأمن به السبل».^۲ البته حکومت باید نسبت به اقشاری که بیش‌تر در معرض تهدید و ستم قرار می‌گیرند، اهتمامی ویژه داشته باشد. علی (ع)، قدرت خویش را برای رسیدن به این هدف می‌دید: «فیأمن المظلومون من عبادک». حکومت برای تأمین امنیت مردم باید خودش از امنیت برخوردار باشد، ولی امنیت حکومت، «ابزاری» برای امنیت مردم است، نه برعکس.

۱. نقیبی، ابوالقاسم و معصومه شهرپیری، «مفهوم، مصادیق و مستندات فقهی و حقوقی حریم خصوصی خانواده»، دو فصل نامه علمی فقه و حقوق خانواده، دوره بیست و هفتم، شماره ۱۴۰۱، ۷۶، ص ۶۲.

۲. شریف رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، محقق: صبحی صالح، چاپ اول، قم: هجرت، ۱۴۱۴، ص ۱۲۱.

۲. دولت به دلیل وظیفه‌ای که برای تأمین امنیت «جامعه» دارد، از شدیدترین مجازات‌ها برای متجاوزان به امنیت «مردم» استفاده می‌کند. مجازات محاربه که «قتل»، به دار آویختن و قطع دست و پاست، به کسانی اختصاص دارد که امنیت را از مردم سلب می‌کنند. با این حال، اگر به امنیت «حکومت» هجوم شود، چنین مجازاتی وجود ندارد و دولت فقط می‌تواند «دفاع» کند و در شرع، مجازاتی برای تهدیدکنندگان امنیت حکومت مقرر نشده است. قتال با «بغات»، صرفاً در حد «مانعت» از تجاوزکاری «باغیان» است، نه آن‌که حدّ و عقوبت آنان به اشد مجازات باشد. از این رو، وقتی دست از طغیان بردارند، برخورد حکومت پایان می‌پذیرد: «فقتلوا التی تبغی حتی تفیء الی امرالله»^۱.

۳. در شریعت اسلامی، در مورد خطرهایی که موجودیت حکومت را تهدید می‌کنند، جرم‌انگاری به کم‌ترین حد رسیده است؛ زیرا مقابله با بغات به شرایط «شورش مسلحانه» آنان اختصاص دارد. غیر از «بغی» نیز عنوان مجرمانه دیگری در فقه سراغ نداریم که بر «مخالفت با حکومت» صدق کند و به عنوان جرم ضد امنیتی شناخته شود. البته حکومت اسلامی می‌تواند مجازات‌های تعزیری برای اخلال‌کنندگان در امنیت از قبیل جاسوسان مقرر کند، ولی این موارد هم کاملاً محدودند.

حقوق و آزادی‌های فردی به عنوان بخش عمده‌ای از مطالبات شهروندان در تمام جوامع مطرح است و پذیرش قلمرو حریم خصوصی از مطالبات عمومی انسان‌ها و از جمله مهم‌ترین موضوعات حقوق بشری است. ضرورت‌های زندگی اجتماعی به جهت برقراری امنیت، نیازمند نظارت و مداخله دولت‌هاست که این ضرورت هم عقلانی است و هم مبانی شرعی و فقهی دارد. از این جهت، همان‌گونه که آزادی انسان مطلق نیست، حریم خصوصی هم به صورت مطلق معنا پیدا نمی‌کند. پس قاعده لزوم حفظ نظام با در نظر گرفتن قواعد فقهی مانند عدم تجسس در حریم خصوصی افراد، عنوان ثانوی «حفظ مصالح و امنیت نظام» را برای دفاع از حقوق اجتماعی افراد وضع کرده و از این طریق به مداخله و نظارت بر قلمروی حریم خصوصی افراد مشروعیت بخشیده و آرامش افراد و حمایت از سرمایه‌های مهم زندگی ایشان را که همان حیثیت فردی آنان است، تأمین کرده است.^۲

۱. حجات: ۱۰.

۲. خاکی، مینو و همکاران، «مبانی قرآنی و قواعد مشروعیت نظارت دستگاه‌های دولتی بر حریم خصوصی»، مطالعات قرآنی، دوره چهاردهم، شماره ۵۴، ۱۴۰۲، ص ۱۹۰.

در خصوص موضوع پژوهش حاضر می‌توان از مقاله حسین آقابابایی با عنوان «مطالعه تطبیقی حقوق وضعیت اضطراری با نگاهی به مدیریت بیماری کووید ۱۹؛ از مبنای قانونی تا تجویز مداخله کیفری» یاد کرد که ایجاد مرجع قانونی برای مدیریت وضعیت اضطراری را پیشنهاد داده است. وی بیان داشته است که با توجه به محدودیت‌های حقوق بنیادین در دوران تعلیق حقوق یا اعلام وضعیت فوق‌العاده و اضطراری، لزوم تصویب موضوع در مجلس شورای اسلامی و تجدید اذن قوه مقننه در این خصوص (اصل ۷۹ قانون اساسی) اهمیت دارد.

علی آریان‌نژاد و همکاران در مقاله «سازوکار مطلوب وضع الزامات حقوقی در شرایط اضطراری مبتنی بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» به این نتیجه رسیده‌اند که با توجه به ماهیت و ساختار شورای عالی امنیت ملی و زمان بر بودن فرآیند اصل ۷۹ قانون اساسی، همین شورا مناسب‌ترین نهاد در نظام حقوقی ایران برای تصمیم‌گیری‌های فوری اولیه بر اساس قانون اساسی است. البته همانند نظام حقوقی فرانسه، این تصمیمات باید از لحاظ زمانی محدود باشند که حد مناسب آن در نظام حقوقی ایران، اتمام فرآیند تقنین مجلس است.

ابراهیم موسی‌زاده و فهیم مصطفی‌زاده نیز در مقاله «نگاهی به مفهوم و مبانی حق بر حریم خصوصی در نظام حقوقی عرفی» بیان داشته‌اند که حیطة حقوق خصوصی و خلوت، اصطلاحی است که به صورت مکرر در محاورات و عامیانه و هم‌چنین در مباحثات حقوقی، سیاسی و فلسفی استفاده می‌شود. در تعریف حق بر حریم خصوصی آمده است: حق داشتن یک چارچوب محافظت‌شده امن و خالی از اغیار است که در این چارچوب، فرد از یک نوع خودمختاری شخصی برخوردار است.

حسین آقابابایی در مقاله خود با عنوان «لیبرالیسم، حریم خصوصی و قانون پاتریوت» بر این مسئله تأکید کرده است که وقوع تروریسم سبب دخالت دولت‌هایی مانند آمریکا و فرانسه در حق بر حریم خصوصی شده است. این قوانین و رویه‌ها با نقض قوانین ملی و بین‌المللی، به شکلی گسترده به سازمان‌های امنیتی، پلیسی، آموزشی، مخابراتی و حمل و نقل، اجازه جمع‌آوری اطلاعات شخصی و در اختیار گذاردن آن برای تحلیل اطلاعات را می‌دهند و این امر به عنوان رویه و استراتژی نهادینه شده است.

مسئله اصلی این پژوهش، بررسی اختیارات دولت و حکومت در نقض حریم خصوصی در شرایط اضطراری است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد مقامات اداری برای انجام صحیح خدمات عمومی

در شرایط اضطراری می‌توانند حق بر حریم خصوصی را نادیده بیانگارند و در صورت ارتکاب برخی جرایم توسط اشخاص، ورود به حریم خصوصی مجرمان جایز است.

گفتار اول. مبانی نظری

بند اول. چیستی حق بر حریم خصوصی

حریم خصوصی در زبان محاوره و نیز مباحث فلسفی، سیاسی و حقوقی همیشه استفاده می‌شود، ولی هنوز تعریف مدون و مشخصی از آن ارائه نشده است. فلاسفه حال و گذشته و نظریه‌پردازان حقوقی همواره از دشواری ارائه تعریف اقناع‌کننده از مفهوم حریم خصوصی شکوه دارند. جان لاک می‌گوید که «هر انسانی در درون خود، یک قلمروی شخصی دارد» و تأکید می‌کند که هیچ کس غیر از خود شخص، حقی برای ورود به این قلمرو ندارد.^۱

در حوزه حقوق عمومی کنونی، حقوق دانان به تعاریفی از مفهوم حریم خصوصی اشاره کرده‌اند. در این حوزه، حریم خصوصی با شناسایی عناصری چون «محرمانه بودن»، «ناشناس بودن» و «تنهایی» به عنوان ارکان حریم خصوصی این گونه تعریف می‌شود: «قلمرویی از زندگی هر شخص است که آن شخص به طور نوعی و عرفی انتظار دارد که دیگران بدون رضایت وی به اطلاعات راجع به آن قلمرو دسترسی نداشته باشند و یا به آن قلمرو وارد نشوند یا به آن قلمرو نگاه یا نظارت نکنند یا به هر صورت دیگری، وی را در آن قلمرو مورد تعرض قرار ندهند». در تعریف دیگر چنین آمده است: «عنصر اساسی حریم خصوصی همانا اختیار و آزادی انسان‌ها در تصمیم‌گیری در خصوص میزان وقوف و مداخله سایرین نسبت به زندگی شخصی ایشان است. هر کس اصولاً و صرف نظر از استثناهای خاص و قانونی حق دارد که خود در خصوص این‌که دیگران تا چه میزان در خصوص زندگی شخصی او بدانند و یا در آن وارد شوند، تصمیم بگیرد و در صورت عدم تمایل، ایشان را منع کند».^۲

۱. هوسمن، کارل، «حرمت حریم خصوصی در برابر حق مردم به آگاهی از رویدادها»، ترجمه: داوود حیدری، رسانه، شماره ۲۷، ۱۳۷۵، ص ۱۲۳.

۲. مشهدی، علی و سجاد محمدلو، «مطالعه تطبیقی مفهوم و معیار حق حریم خصوصی؛ رویکرد عرفی و فرهنگی»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره بیستم، شماره ۲، ۱۳۹۵، ص ۱۳۴.

جان لاک، فیلسوف قرن هفدهم میلادی از جمله فیلسوفان اصحاب قرارداد اجتماعی است که مجموعه آموزه‌های وی در حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی، الهام‌بخش اصلی لیبرالیست‌های قرن‌های بعدی در طراحی مدل‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در جامعه لیبرال سرمایه‌داری شد. اندیشه سیاسی لاک تحت تأثیر نظریه تساهل و سیاست‌های آزادی‌خواهی لاک برای اعتلای اندیشه، اصالت جان، مال و آزادی انسان بود.^۱

به عقیده لاک، انسان آزاد و عاقل پای به عرصه‌گیتی نهاده و تابع هیچ قانون‌گذاری نبوده است و تعهدی به هیچ قدرت برتری ندارد. قانونی که او پذیرفته، تنها قانون طبیعی است و آزادی افراد در جامعه بر پایه رضایت بنا نهاده شده است که به واسطه آن، انسان در کشور تحت حمایت قوه مقننه قرار می‌گیرد. در عین حال، قوه مقننه، قدرت مستبدانه و مطلقه بر افراد ندارد؛ زیرا قدرتی که قوه مقننه دارد، چیزی نیست جز قدرتی که افراد به او داده‌اند تا از وضع طبیعی به سوی جامعه مدنی انتقال یابند. افراد، قدرت طبیعی خویش را به دولت تسلیم کرده‌اند تا از امنیت، آزادی، کمال، تن‌درستی و دارایی برخوردار شوند و دولت باید تنها در نیل به خیر عمومی تلاش کند. لاک مدعی است مراقبت از روح و روان هر فرد به خود او وابستگی دارد و مقرر است که به خود او وانهاده شود.^۲

لاک در تعریف شاخص‌های تشکیل‌دهنده منافع مدنی به عواملی مانند زندگی، آزادی، تن‌درستی، آسایش تن و تملک اشیای خارجی هم‌چون پول، زمین، مسکن، اثاثیه و لوازم زندگی اشاره می‌کند که با حیات‌مندی بشر ارتباط مستقیم دارند. در این نوع جهان‌بینی، دولت نه تنها هیچ نقش و رسالتی در مورد حیات دینی و معنوی افراد جامعه ندارند، بلکه اصولاً حق دخالت در این امور را هم ندارد. بنابراین، کل حوزه اقتدار فرمانروا فقط به امور مدنی ختم می‌شود. قلمرو قدرت حاکم نمی‌تواند و نباید به امور مربوط به رستگاری روح انسان‌ها تعمیم یابد.^۳ در باور لاک، تمام انسان‌ها از حقوق طبیعی، آزادی و برابری برخوردارند و تبعیت از قدرت بدون رضایت مفهومی ندارد. نهادهای قانون‌گذاری به نمایندگی از اکثریت جامعه تصمیم می‌گیرند. در اندیشه لاک، احترام به حقوق

۱. شریعت، فرشاد، «پارادوکس آزادی و بردگی در لیبرالیسم جان لاک»، فصل‌نامه سیاست، دوره چهل و چهارم، شماره ۱، ۱۳۹۳، ص ۴۶.

۲. محمودی، سید علی، عدالت و آزادی، تهران: اندیشه معاصر، چاپ اول، ۱۳۷۶، ص ۶۹.

۳. نصیری، بهرام و همکاران، «بررسی تطبیقی مفهوم تساهل و تسامح در اندیشه جان لاک و اندیشه اسلامی مبتنی بر قرآن»، پژوهش دینی، شماره ۴۴، ۱۴۰۱، ص ۱۸۶.

طبیعی و مدنی شامل آزادی، حق مالکیت خصوصی، حکومت مشروط و محدود، حق شورش و حق حریم خصوصی دیده می‌شود.^۱

یکی از مبانی مهم دیگری که شناسایی حق بر حریم خصوصی را برای افراد جامعه ضروری و حتی واجب می‌سازد، وجود دولت همراه با قدرت و سلطه‌اش در جامعه است. با شناسایی حق خلوت باید فردیت و استقلال شخصیتی انسان را در برابر حکومت در امان نگه داشت. در واقع، باید یکی از مبانی شناسایی حق بر حریم خصوصی را محدودسازی ماهیت توسعه طلب و احياناً ستمگر قدرت دانست که اگر بدون حد و مرزها شود، ممکن است فرد را فدای مصلحت و امیال قدرت سیاسی کند. با احترام به حق بر حریم خصوصی است که افراد بشر در مقابل مصادر قدرت، جامعه و دیگر اشخاص حمایت و حفاظت می‌شوند. این حق برای سعادت بشر بسیار اهمیت دارد و باید به عنوان یکی از حقوق اساسی بشر شناخته شود.^۲

در حقوق داخلی، در سال ۱۳۸۸ در لایحه حمایت از حریم خصوصی که به مجلس شورای اسلامی ارائه گردید، حریم خصوصی تعریف شد. قانون تجارت الکترونیکی ایران مصوب ۱۳۸۴ نیز بدون تعریف حریم خصوصی در فصل سوم با بیان قواعد مربوط به بحث حمایت از داده‌ها به اطلاعات در حمایت از حریم خصوصی توجه نشان می‌دهد. دو ضابطه برای شناسایی مصادیق مشمول این حریم وجود دارد: ضابطه نوعی که به موجب آن، برخی جنبه‌های زندگی انسان‌ها نوعاً یا عرفاً حریم خصوصی آن‌ها محسوب می‌شود و در صورت نقض آن، مرتکب باید اثبات کند که مدعی نقض به نحو ضمنی یا صریح از حریمش عدول کرده است. ضابطه شخصی که هر فردی می‌تواند بنا به تشخیص و علاقه خود، قسمت‌هایی از زندگی‌اش را مشمول حریم خصوصی خویش اعلام کند.^۳

۱. شهرپاری، شهره و همکاران، «دولت در فلسفه سیاسی جان لاک و کارل مارکس: رویکرد تطبیقی. انتقادی»، جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال سوم، شماره ۹، ۱۳۹۹، ص ۲۶۴۵.

۲. موسی‌زاده، ابراهیم و فهیم مصطفی‌زاده، «نگاهی به مفهوم و مبانی حق بر حریم خصوصی در نظام حقوقی عرفی»، بررسی‌های حقوق عمومی، سال اول، شماره ۲، ۱۳۹۱، ص ۵۱.

۳. محسنی، فرید، حریم خصوصی اطلاعات (مطالعه کیفی در حقوق ایران، ایالات متحده آمریکا و فقه امامیه)، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۹، ص ۳۲.

بند دوم. شرایط اضطراری

دکترین حقوقی داخلی در گذشته درباره مفهوم و مبانی وضعیت اضطراری و اعلام آن توسط حکومت‌ها مسائلی عنوان کرده است. از نظر گروهی، دولت‌هایی که درگیر بحران می‌شوند، برای بازگرداندن نظم در جامعه، حالت فوق‌العاده اعلام می‌کنند. این مسئله تحت عنوان وضعیت اضطراری هم شناخته می‌شود. با اعلام این وضعیت، عملاً دخالت حکومت در آزادی‌های فردی افزایش پیدا می‌کند؛ زیرا راه حل مشکلات برزیافته، مدیریت مقتدرانه جامعه است که بدون مداخله در زندگی شهروندان میسر نمی‌گردد.^۱

از استثناهای اصل منع جواز ورود مأموران پلیس به اماکن خصوصی، موقعیت حکومت نظامی و حالت فوق‌العاده است. در حالات اخیر، فرض بر این است که تعارض گروه‌های ذی‌نفوذ مملکتی، نظم عمومی و امنیت کشور را به طور جدی تهدید می‌کند. پس نظامیان، مصدر اداره امور کشور می‌شوند. در این وضعیت، آزادی‌های فردی محدود می‌شود و قلمرو اختیارات مأموران دولتی بیش از حد متعارف افزایش می‌یابد.^۲

گفتار دوم. رویکرد قانون‌گذار اساسی به مسئله حریم خصوصی و وضعیت اضطراری

قانون اساسی، عالی‌ترین سند حقوقی در یک کشور است. پس بررسی رویکرد قانون‌گذار اساسی در مورد حریم خصوصی و وضعیت اضطراری قابل توجه است.

بند اول. حریم خصوصی در اندیشه قانون‌گذار اساسی

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از حریم خصوصی مردم حمایت کرده است، ولی نقض و تحدید این حق را جایز و ممکن می‌داند. افزون بر آن، بدون ذکر دلیل و ارائه ملاک و مینا، جواز نقض حریم خصوصی را به قوانین عادی ارجاع می‌دهد و این جاست که این شبهه و دغدغه اساسی پیش می‌آید که با چه ملاک و مبنایی می‌توان این حق حیاتی و اساسی مردم را تهدید و تحدید

۱. جلالی، علی‌رضا و محمد ابوعطا، «وضعیت اضطراری و محدودیت حقوق بنیادین: بررسی اقدامات حکومت ایتالیا در مقابله با بیماری کووید ۱۹»، پژوهش حقوق عمومی، دوره بیست و دوم، شماره ۶۷، ۱۳۹۹، ص ۴۴.

۲. انصاری، ولی‌الله، حقوق تحقیقات جنایی، تهران: سمت، چاپ سوم، ۱۳۹۶، ص ۱۶.

کرد. برای برون‌رفت از این بن‌بست، اصل چهارم قانون اساسی می‌تواند راه‌گشا باشد؛ چون طبق این اصل که بر عموم و اطلاق دیگر اصول حاکم است، «کلیه قوانین و مقررات دیگر باید منطبق با موازین اسلامی باشند»^۱.

منطق عمومی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در باب محدودیت‌های حاکم بر حقوق و آزادی‌ها، لزوم تعیین این محدودیت‌ها و ضوابط به موجب قانون است. این منطق در سراسر قانون اساسی حاکم است. برای مثال، نمونه‌هایی از این منطق در اصول زیر قابل مشاهده است: در بند ۷ اصل ۹ قانون اساسی، تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی به حدود قانون مقید شده است. در اصل ۲۲ قانون اساسی، تعرض به حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص فقط در موارد تجویز قانون پذیرفته شده است. در اصل ۲۴، تعیین محدودیت‌های مطبوعات به قانون واگذار شده است. طبق اصل ۳۲، دستگیری افراد فقط به حکم و ترتیب قانونی مجاز است.^۲

در نظام حقوقی ایران چه در اصول قانون اساسی و چه در قوانین عادی، حریم خصوصی تحت عنوان خاص و مشخص تعریف نشده، بلکه به طور پراکنده و در ضمن دیگر مباحث حقوقی از آن صحبت به میان آمده است.^۳ قانون اساسی ایران در حکم مرجع قضایی تمامی قوانین، از حریم خصوصی صریحاً حمایت نکرده، بلکه در برخی اصول آن، این حمایت به صورت ضمنی آمده است، آن هم نه با نام حریم خصوصی، بلکه تحت عناوینی چون حریم خلوت و تنهایی، حریم مکانی، حریم اطلاعات، حریم ارتباطات و حریم جسمانی. بر خلاف قوانین اساسی کشورهای دیگر که از حریم خصوصی به صورت مشخص و در قالب اصل یا اصول خاصی حمایت کرده‌اند، در قانون اساسی ایران، اصل خاصی به طور مشخص از حریم خصوصی حمایت نمی‌کند.

به طور کلی، اگر حریم خصوصی را به حریم خلوت و تنهایی، مکانی، اطلاعات، ارتباطات و حریم جسمانی دسته‌بندی کنیم، در قانون اساسی ایران، داشتن حریم خصوصی، حق اساسی شناخته

۱. عمید زنجانی، عباس‌علی، مبانی فقهی کلیات قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۲، ص ۶۹.

۲. نجارزاده هنجنی، مجید، «تحلیل حقوقی وضع محدودیت‌های ناشی از همه‌گیری کرونا در حقوق ایران: در جست‌وجوی اداره صلاحیت‌دار»، مجله حقوق اداری، سال هفتم، شماره ۲۳، ۱۳۹۹، ص ۲۲۹.

۳. انصاری، باقر، «حریم خصوصی و حمایت از آن در حقوق اسلام، تطبیقی و ایران»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۶، ۱۳۸۳، ص ۲۵.

نشده است و از حریم خلوت و تنهایی به صورت صریح و ضمنی حمایت نشده است. آزادی اطلاعات جز به صورت مضیق در اصل ۲۴ در جای دیگری مطرح نشده است. در اصل ۲۵ نیز بدون تصریح به آزادی ارتباطات به استثنای این آزادی اشاره شده و از حریم خصوصی ارتباطات در مورد شایع‌ترین وسایل ارتباطی حمایت گردیده است. دیگر اصول قانون اساسی نیز به صورت ضمنی به حمایت از حریم خصوصی جسمانی و حفظ کرامت انسانی و حفظ مال و مسکن پرداخته‌اند.^۱

بند دوم. وضعیت اضطراری در اندیشه قانون‌گذار اساسی

تمشیت و مدیریت وضعیت‌های اضطراری باید مبتنی بر قانون اساسی باشد. اعلام وضعیت اضطراری و اجرای محدودیت‌ها به طور معمول با تحدید حقوق و آزادی‌های بنیادین همراه است. پس در خود قوانین اساسی باید تمهیداتی برای این امر اندیشیده شود. در غیر این صورت، نظام‌های سیاسی به راحتی می‌توانند با بهره‌گیری از ابراز وضعیت اضطراری، تضمینات مقرر در قانون اساسی را به مخاطره اندازند. تاکنون به اصل ۷۹ قانون اساسی درباره اعلام وضعیت اضطراری استناد نشده است. ابهام مهمی که درباره اصول ۷۹ و ۱۷۶ قانون اساسی وجود دارد، هم‌پوشانی حوزه‌های اجرایی شدن آن‌هاست، به این معنا که به نظر می‌رسد در موارد مربوط به اصل ۷۹ قانون اساسی به جای توسل به اصل یادشده می‌توان اصل ۱۷۶ قانون اساسی را اجرا کرد یا این‌که طبق اصل ۷۹ قانون اساسی، دولت حق دارد با تصویب مجلس به طور موقت، محدودیت‌های ضروری را برقرار کند. با این حال، با اجرای اصل ۱۷۶ به جای این اصل، شورای عالی امنیت ملی به جای دولت و مجلس شورای اسلامی تصمیمات لازم را خواهد گرفت.^۲

با نخستین نگاه به اصل ۷۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، این اصل بسیار کلی، مبهم و مجمل به نظر می‌رسد. وجود عباراتی مانند «حالت جنگ و شرایط اضطراری نظیر آن» و «محدودیت‌های ضروری»، حاکی از این ابهام و اجمال است. با این حال، شورای نگهبان به عنوان مفسر قانون اساسی، تاکنون تفسیری از این اصل ارائه نداده است. نخستین انتقاد وارد بر این اصل،

۱. رفیعی، علی و همکاران، «پاسخ‌های غیر کیفری به مسائل نقض حریم خصوصی در سیاست جنایی ایران و کانادا»، پژوهش حقوق کیفری، دوره یازدهم، شماره ۴۱، ۱۴۰۱، ص ۲۱۱.

۲. آقای طوق، مسلم، «بایسته‌های حقوق اساسی مدیریت وضعیت‌های اضطراری با تأکید بر کووید ۱۹»، تحقیقات حقوقی، ویژه‌نامه حقوق کرونا، شماره ۲، ۱۴۰۰، ص ۷۴۴.

«وضعیت‌های اضطراری» است که قانون اساسی ایران آن را تعریف نکرده است. انتقاد دیگر این است که قانون اساسی برای تصویب چنین محدودیت‌های ضروری که نتیجه آن، محرومیت افراد ملت، ولو به صورت موقت از برخی حقوق و آزادی‌هایشان باشد، اکثریت آرای ویژه‌ای را مقرر نکرده است. در حالی که در برخی موارد مهم دیگر، تصویب قانون مربوط را به کسب اکثریت آرای خاصی وابسته دانسته است. درباره مدت محدودیت‌های ضروری، اصل ۷۹ قانون اساسی ایران، با اصل موقتی بودن تدابیر اضطراری منطبق است؛ زیرا به صورت مؤکد بر موقتی بودن محدودیت‌های ضروری اشاره کرده است.^۱

بند سوم. نگاهی تطبیقی به حق بر حریم خصوصی

قانون میهن‌پرستی آمریکا که بلافاصله بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر در آمریکا تصویب شد، دربردارنده مسائلی مهم است، از جمله نقض گسترده حریم خصوصی شهروندان آمریکایی. در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، کنگره آمریکا از طریق فصل سوم «قانون کنترل جرم و امنیت معابر» و «قانون حفاظت از امنیت خارجی»، خط فاصلی بین جمع‌آوری اطلاعات مربوط به امنیت خارجی و گردآوری اطلاعات توسط مأموران انتظامی ایجاد کرده بود. قانون میهن‌پرستی، این دیوار حایل را بی‌مصرف کرده و در مواردی که جمع‌آوری اطلاعات امنیت خارجی، هدف عمده تحقیقات است، مبادله اطلاعات بین مأموران امنیت خارجی و مقامات انتظامی را مجاز دانسته است. دادگاه‌های آمریکا این قانون را چنان تفسیر کرده‌اند که همکاری و هماهنگی بین مأموران امنیتی و انتظامی را در زمانی اجازه می‌دهد که پیوند قابل قبولی با بحث امنیت خارجی یا تروریسم داشته باشد. این قانون به صورت کلی و در ماده ۲۱۵ به صورت خاص، دسترسی مقامات دولتی به اطلاعات فردی را گسترش می‌دهد و سطح مظنونیت را که پیش از این، قبل از گرفتن دستور قضایی برای دسترسی به اطلاعات فردی لازم بود، کاهش می‌دهد.^۲ یکی از بحث‌برانگیزترین نقاط ضعف قانون میهن‌پرستی، دسترسی دولت و مجریان قانون به پایگاه‌های داده و امکان بررسی و کاوش در اطلاعات شخصی و سوابق خصوصی است که بر اساس تعاریف، عناوین و اصطلاحات بسیار وسیع این قانون در زمره سوابق شغلی، مالی، تجاری محسوب

۱. محبی، داوود و حامد کرمی، «ماهیت‌شناسی الگوهای پاسخ به وضعیت‌های اضطراری با تأکید بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، آفاق امنیت، سال هشتم، شماره ۳۲، ۱۳۹۵، ص ۸۰.

۲. آقابابایی، حسین، بررسی فقهی حقوقی جرم براندازی، تهران: سمت، چاپ اول، ۱۳۸۶، ص ۱۰.

می‌شود و در نتیجه، قابل بررسی و تفحص به شمار می‌آید. مخالفان این قانون بر این عقیده‌اند که اجرای آن بیش از مبارزه مؤثر با تروریسم و برقراری امنیت، تهدیدی دائمی علیه حقوق و آزادی‌های مدنی شهروندان می‌گردد.^۱ به اعتقاد بسیاری از شهروندان امریکایی، این قانون با اصول دموکراسی پذیرفته‌شده در حقوق امریکا مغایر است؛ چون قانونی افراطی و مغایر با آزادی‌های مدنی است.^۲ البته این قانون در سال ۲۰۱۹ تمدید شد.

وقایع اخیر خاورمیانه و اروپا به ویژه اقدام تروریستی گروه داعش در فرانسه و جنگ و درگیری‌ها در خاورمیانه و هجوم سیل‌آسای مهاجران و پناهندگان به اروپا، دولت‌های قاره سبز و هم‌چنین نهادهای حقوق بشری را با حمله‌ای از تهدیدات روبه‌رو کرده که آنان را ناگزیر از اعمال محدودیت‌ها و اقدامات امنیتی ساخته است. برای مثال، در فرانسه پس از حادثه تروریستی نوامبر ۲۰۱۵، رییس جمهوری فرانسه با اعلام حالت اضطراری، مرزهای این کشور را بست و پارلمان نیز اجازه داد این وضعیت تا پایان فوریه ۲۰۱۶ تمدید شود. برخی کشورهای اروپایی نیز به بازرسی مسافران و وسایل حمل و نقل دست زدند که همگی بر حق بر حریم خصوصی شهروندان اثر می‌گذارد. در این میان، پرسش آن است که نقض حق بر حریم خصوصی در فرض مقابله با تروریسم چه وضعیتی دارد؟ با توجه به معاهده اروپایی حقوق بشر، دولت‌های عضو، تنها در صورتی که شرایط استناد به ماده ۱۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر فراهم آید، در حالت فوق‌العاده می‌توانند حق بر حریم خصوصی شهروندان را محدود کنند و به یقین نمی‌توانند به طور خودسرانه از ماده ۱۵ بهره‌برند و در حقوق شهروندان مداخله کنند.^۳

در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، نامی از ترور یا تروریسم برده نشده و هیچ مقرره‌ای برای مقابله با آن وضع نشده است و محدودیتی نیز تحت عنوان مبارزه با تروریسم بر حقوق مندرج در کنوانسیون

1. Fritscher, Lisa, **USA Patriot Act: Pros and Cons**, p. 102, 2007, Retrieved in: 5/11/2012, in: www.Lifescript.com.

2. Wadsworth, Madison Racquel, **The Patriot Act: How It Hurts Democracy**, Honors In University Studies With Departmental Honors In Political Science In The Department Of Political Science, 2019, P. 33.

۳. رحیم خویی، الناز و حسین رستم‌زاد، «تحلیل و نقد عملکرد دیوان اروپایی حقوق بشر در برخورد با ادعاهای نقض ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر»، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۵۶، ۱۳۹۶، ص ۲۷۳.

وارد نشده است. بنابراین، ضرورت‌های دیگر، موجب اهمیت یافتن این بحث شده است.^۱ در انگلستان نیز قانون مبارزه با تروریسم مصوب ۲۰۰۲، اختیارات فوق‌العاده‌ای را به افسران پلیس برای بازرسی افراد مشکوک به دست داشتن در فعالیت‌های تروریستی اعطا کرد. بخشی از این اختیارات شامل دستگیری بدون نیاز به حکم، بازداشت موقت بین ۴ تا ۱۴ روز (به جای بازداشت موقت ۲۴ ساعته) است که به وضوح نشان‌دهنده اشکال مختلف نقض حقوق بشر است.^۲

در مواردی، قدرت عمومی به بهانه ایجاد نظم و امنیت یا شرایط اضطراری به محدود کردن آزادی‌ها و از جمله دخالت در حوزه خصوصی افراد دست می‌زند. حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در ایالات متحده آمریکا، محیط امنیتی جدیدی پدید آورد که نظام سیاسی کشور با وضع قوانین و مقررات مداخله جویانه به صورت گسترده به نقض حریم خصوصی و دخالت در آن دست زد. کنگره آمریکا نیز برای افزایش توان دولت در دسترسی به اطلاعات شخصی، قانون ارتقای امنیت سایبری را تصویب کرد.^۳

گفتار سوم. اختیارات و صلاحیت‌های مقامات اداری در مورد نقض حریم خصوصی در شرایط بحران و اضطرار

بند اول. ضرورت توسعه حقوق اداری در شرایط بحران

وظیفه حقوق اداری صرفاً تنظیم مدیریت امور عمومی در شرایط عادی نیست، بلکه باید برای تنظیم این امر در شرایط غیر عادی و اضطراری که اداره این امور ممکن است از طریق عادی میسر نباشد، آمادگی بگیرد و تدبیرهای پیش‌دستانه انجام دهد. حقوق اداری، توان‌مندی واقعی خود را در چنین شرایطی می‌تواند بنمایاند و نهادهای عمومی را بدون آن‌که غافل‌گیر شوند و کارآمدی آن‌ها کاهش یابد، تابع یک نظام حقوقی از پیش مستقر و قابل پیش‌بینی سازد؛ چون در شرایط عادی،

1. Warbrick, Colin, (2004), "The European Response to Terrorism in an Age of Human Rights", The European Journal of International Law, Vol. 15, No. 5, p. 997.

2. Bharadwaj, Aditya, Counter-Terrorism And Human Rights: An Analysis, International Journal Of Law Management & Humanities, Vol. 6, 2023, P. 879.

۳. فروغی، فضل‌الله و همکاران، «مبانی ممنوعیت نقض حریم خصوصی در حقوق ایران و آمریکا»، مطالعات حقوقی، دوره ششم، شماره ۳، ۱۳۹۳، ص ۱۴۳.

مدیریت امور طبق قوانین و مقررات به عنوان امری روزمره و تکراری دشوار نیست. مهم این است که در شرایط اضطراری نیز همین رویه قانونی و منظم در اداره امور ادامه یابد. با این حال، در شرایط اضطراری ممکن است اداره برخی از امور کشور با توسل به قواعد معمول حقوق اداری به صورت مطلوب میسر نباشد. از این رو، اداره این امور به ناچار باید تابع تشریفات حقوقی خاصی باشد. بدیهی است در صورت نبود چنین سازوکار پیش‌دستانه و پیش‌نگرانه‌ای برای تنظیم وظایف دولت در شرایط اضطراری، هر آن، بیم تخطی دولت از موازین حقوقی و تجاوز به حقوق اشخاص می‌رود. بخشی از توسعه حقوق اداری، مدیون بیم از قانون‌گریزی احتمالی دولت است و هنگامی که دولت در شرایط عادی می‌تواند اقدامات خلاف قانون انجام دهد، در شرایط اضطراری نیز به طریق اولی می‌تواند با ادعای غیر عادی بودن شرایط به نقض تشریفات قانونی دست یازد. از این رو، توسعه و تقویت حقوق اداری در شرایط اضطراری ضرورت دارد.^۱

در دولت‌هایی که وضعیت اضطراری به صورت دائمی و نهادینه درآمده است، هیچ‌گاه نمی‌توان نظام تعلیق را قابل اعمال دانست. از نظر کمیته حقوق بشر، موقتی بودن اقدامات تعلیقی، این تکلیف را به دنبال دارد که بازگرداندن وضعیت عادی به گونه‌ای که در آن، رعایت میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مجدداً تضمین شود، باید هدف اصلی آن دولت عضو محسوب گردد که اعمال برخی از مقررات میثاق را معلق کرده است. از سوی دیگر، در بحث ضرورت، لزوم رعایت تناسب نیز امری حیاتی است. هر دولتی مکلف است در اعلام وضعیت اضطراری احتیاط کند و وقتی تدبیرهای لازم را برای مدیریت چنین وضعیتی به کار می‌بندد، توجیه منطقی و معقول برای آن‌ها داشته باشد.^۲

بند دوم. ضرورت حمایت از داده‌های شخصی

یکی از مهم‌ترین استثنائات آزادی اطلاعات، حریم خصوصی است. به موجب این استثنا، مؤسسات عمومی و خصوصی می‌توانند برای حمایت از حریم خصوصی افراد از ارائه اطلاعات درخواستی امتناع کنند، مگر آن‌که ضرورت مبرم اجتماعی ایجاب کند. ارتباط میان آزادی اطلاعات و حریم خصوصی

۱. فریادی، مسعود و مرتضی نجابت‌خواه، «چالش‌های حقوق اداری در مدیریت شرایط اضطراری بهداشتی»، تحقیقات حقوقی، ویژه‌نامه حقوق کرونا، شماره ۲، ۱۴۰۰، ص ۲۳۸.

۲. اقبالی، کیوان، «نقش دستگاه قضایی در نظارت بر تعلیق ایفای تعهدات حقوق بشری دولت‌ها»، مجله حقوقی دادگستری، دوره هشتاد و پنجم، شماره ۱۱۴، ۱۴۰۰، ص ۵۸.

درباره اطلاعاتی مطرح می‌شود که به داده‌های شخصی موسوم هستند. در واقع، داده‌های شخصی، بخشی از قلمرو حریم خصوصی افراد را تشکیل می‌دهند. توضیح آن‌که هر یک از افراد جامعه خواسته یا ناخواسته داده‌های زیادی را در اختیار دولت و برخی از مؤسسات بخش خصوصی قرار می‌دهند. در بسیاری از موارد، ارائه این داده‌ها، لازمه دسترسی شهروند به خدمات عمومی است و دسترسی به چنین داده‌هایی برای رعایت مساوات در برخورداری از خدمات عمومی و مبارزه با تبعیض و در نهایت، توزیع عادلانه خدمات عمومی ضروری است.^۱

یکی از وظایف سازمان‌های دولتی، ایجاد تمایز میان اطلاعات حوزه عمومی و داده‌های شخصی شهروندان است و اجازه دسترسی را تنها به اطلاعات عمومی محدود کند. با این وجود، این حق برای سازمان‌های دولتی وجود دارد که برخی اطلاعات را سَرّی و محرمانه تلقی کنند و آن‌ها را از دسترسی عموم محفوظ دارند. برای مثال، اطلاعات و اسناد مربوط به مسائل امنیت ملی، برنامه‌های تسلیحاتی موشکی و مبارزه با تروریسم توسط بسیاری از دولت‌ها سَرّی تلقی می‌شود و امکان دسترسی عمومی به آن‌ها وجود ندارد. این موضوع می‌تواند بهانه‌ای برای دولت‌ها در روگردانی از شفافیت باشد. برای مثال، دولت‌ها می‌توانند حق آزادی اطلاعات شهروندان را در خصوص دسترسی به سیاست‌ها، برنامه‌ها، میزان پیشرفت پروژه‌های عمرانی یا حتی دانستن میزان واقعی بی‌کاری زیر پا بگذارند.^۲

بند سوم. ایجاد صلاحیت‌های جدید

وضعیت استثنایی قادر است تا صلاحیت‌های جدیدی را برای برخی مقامات یا مرجع اداری ایجاد کند، به این صورت که گاه قانون‌گذار، مرجعی خاص با صلاحیت‌های ویژه تأسیس می‌کند. ایجاد این مرجع و صلاحیت‌های آن، تابع مدیریت دوره اضطرار است و با پایان یافتن این دوره، موجبی برای وجود یا اعمال صلاحیت آن باقی نمی‌ماند. در مواردی، قانون‌گذار بدون اصرار بر ایجاد مرجعی خاص، صلاحیت‌های ویژه دوره اضطرار را به مرجع یا مقاماتی واگذار می‌کند که از قبل

۱. ویژه، محمدرضا و آزاده سادات طاهری، «تحلیلی بر قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات در پرتو اصول کلی حاکم بر دسترسی به اطلاعات»، فصل‌نامه پژوهش حقوق، شماره ۳۵، ۱۳۹۰، ص ۲۶۳.

۲. عبدالله‌زاده، انس و علی حاجی‌پور کندرود، «تحلیل چالش‌های دولت الکترونیک با حریم خصوصی اطلاعاتی شهروندان»، فصل‌نامه حقوق اداری، سال نهم، شماره ۳۱، ۱۴۰۱، ص ۱۷۷.

ایجاد شده‌اند. صلاحیت‌های شکل‌گرفته یا واگذار شده، گاه صلاحیت‌های نفی شده مرجع دیگر یا صلاحیت‌های دوره اضطرارند.^۱

بند چهارم. لزوم نظارت قضایی

در وضعیت اضطراری، شاید موضوع به ظاهر، قابل رسیدگی قضایی باشد، اما فرآیند اجرایی را نمی‌توان به آسانی به تأخیر انداخت. به هر روی، منطق حقوقی و سیاسی می‌پذیرد که در وضعیت اضطراری یا موقعیت‌های استثنایی، اصول حاکمیت قانون از جمله نظارت‌پذیری قوای عمومی دچار دگرگونی یا محدودیت‌هایی شود. در وضعیت اضطراری، نظارت درون‌سازمانی یا نظارت سلسله‌مراتبی پررنگ می‌شود. در چنین وضعیتی، قانون حاکم می‌تواند بدون نفی نظارت، عامل آن را از دستگاه قضایی به اداره تغییر دهد؛ زیرا مرجع اداری عالی برای اعمال نظارت مناسب‌تر است. با از بین رفتن مرجع نظارت بیرونی مانند دستگاه قضایی، برتری و اولویت نظارت درون‌سازمانی، بخشی از نظریه اضطراری حقوق اداری در وضعیت اضطراری خواهد بود؛ چون نظارت برون‌سازمانی بر یک عمل اداری در وضعیت اضطراری به منظور کنترل آثار آن با این وضعیت ناسازگار است. از این رو، بهتر است به اداره اطمینان کرد و نظارت برون‌سازمانی را به پایان وضعیت اضطراری موکول ساخت.^۲

گفتار چهارم. حریم خصوصی و جرایم امنیتی

به طور طبیعی، به دلیل این‌که حقوق کیفری، بازوی قهرآمیز دولت برای تأمین و تضمین امنیت است، برای اجرای قوانین محدودکننده یا ضمانت‌های اجرایی تصمیم‌ها در شرایط اضطراری به حمایت سامانه الزام‌کننده و قهرآمیز عدالت کیفری نیاز احساس می‌شود. از سوی دیگر، برای اقناع افکار عمومی و مشارکت شهروندان در شرایط اضطراری به سامانه حقوقی وضعیت اضطراری نیازمندیم که مبتنی بر چارچوب‌های قانونی توسط مقام صلاحیت‌دار فعال شود و با بهره‌مندی از امکان‌ها و ابزارهای سخت‌افزاری و نرم‌افزاری از قبل تدارک‌شده، اقدام‌های قانونی لازم را برای تضمین نظم، امنیت، سلامت و دیگر کارویژه‌های ساختار سیاسی انجام دهد.

۱. امیر ارجمند، اردشیر و مشتاق زرگوش، «نظریه اضطراری حقوق اداری: تصمیم‌گیری، اجرا و نظارت»، تحقیقات حقوقی، شماره ۴۷، ۱۳۸۷، ص ۲۵.

۲. گرجی ازندریانی، علی‌اکبر و جعفر شفیعی سردشت، «اعمال نظارت‌ناپذیر قضایی دولت»، دانش حقوق عمومی، سال دوم، شماره ۵، ۱۳۹۲، ص ۲۶.

بند اول. تفکیک بین جرم سیاسی و امنیتی

اگر ورود به حریم خصوصی انسان‌ها به دلیل حفظ امنیت جامعه ضرورت می‌یابد، باید قلمرو جرایم امنیتی (جرایم موضوع مواد ۲۸۶، ۲۷۹ و ۲۸۷ قانون مجازات اسلامی) از جرایم سیاسی و احکام مادی و معنوی جرایم امنیتی از جرایم سیاسی تفکیک شود. همین ابهام‌گویی موجب انتقاد شده است که چگونه از یک سو در موارد مختلف آیین دادرسی کیفری، عنوان جرایم امنیتی بارها تکرار و بر تشدید وضع متهم تأکید می‌گردد و از سوی دیگر، تعریفی از جرایم امنیتی ارائه نمی‌شود؟ آیا نمی‌توان به صراحت ذکر کرد که منظور از جرایم امنیتی همان جرایم یادشده در فصل اول از کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی است؟^۱

«محاربه»، کشیدن سلاح به قصد جان، مال یا ناموس مردم یا ارباب آن‌هاست، به نحوی که موجب ناامنی در محیط گردد. هر گاه کسی با انگیزه شخصی به سوی یک یا چند شخص خاص سلاح بکشد و عمل او جنبه عمومی نداشته باشد، محاربه محسوب نمی‌شود. امام خمینی (ره)، محارب را چنین معرفی می‌کند: «المحارب هو كل من جرد السلاح او جهزه لاختافة الناس و ارادة الافساد فی الأرض».^۲

معمولاً فقهای دیگر نیز مشابه همین تعریف را ارائه کرده و جملگی بر استفاده از «سلاح» و ناامن کردن جامعه تأکید ورزیده‌اند. برای نمونه، شیخ طوسی می‌گوید: «المحارب كل من اظهر السلاح و اخاف الناس»^۳ یا محقق حلی آورده است: «المحارب كل من جرد السلاح لاختافة الناس». علامه حلی نیز می‌گوید: «المحارب من جرد السلاح لاختافة الناس».^۴

در قوانین موضوعه جمهوری اسلامی، این مفهوم توسعه یافته است و موارد دیگری نیز به عنوان محاربه شناخته شده‌اند. برای مثال، این موارد، در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، مصوب سال ۱۳۷۱، محاربه دانسته شده است:

۱. تشکیل جمعیت به منظور براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران؛

۲. اقدام برای جدا کردن قسمتی از قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی ایران؛

۱. آخوندی، محمود، آیین دادرسی کیفری، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۹۰، ص ۱۹۱.

۲. موسوی خمینی، سید روح‌الله، تحریر الوسیلة، قم: دار الکتب الاسلامیة، چاپ دوم، ۱۳۹۰، ص ۳۶۹.

۳. طوسی، ابو جعفر محمد بن الحسن، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، بیروت: دار الاضواء، ۱۴۲۲، ص ۳۱۵.

۴. حلی، نجم‌الدین جعفر بن الحسن، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۴۰۸، ص ۲۳۳.

۳. تبانی با دشمن؛
۴. همکاری با جاسوسان؛
۵. تخلف از تکالیف نظامی؛
۶. انعقاد قرارداد تسلیم با دشمن؛
۷. ادامه جنگ پس از دریافت دستور توقف عملیات؛
۸. خودداری از انجام مأموریت؛
۹. ترک محل نگهبانی؛
۱۰. حیف و میل یا سرقت وسایل نظامی.^۱

از منظر فقهی، چنین تفسیر موسّعی از جرم محاربه هرگز قابل قبول نیست و اقداماتی از قبیل ترک محل نگهبانی یا سرقت وسایل نظامی یا حتی همکاری با جاسوسان هرگز مشمول تعریف فقها از محاربه نیست. در جرم تشکیل جمعیت به منظور براندازی نظام، ملاک «محاربه» وجود ندارد؛ زیرا تشکیل چنین گروهی، اولاً ملازمه با شمشیر کشیدن و افساد فی الارض ندارد و ثانیاً با ایجاد ناامنی برای مردم ملازمه ندارد.

از این رو، قیام مسلحانه در برابر حکومت اسلامی تحت عنوان «بغی» قرار می‌گیرد، نه محاربه.^۲ این اشتباه در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰ نیز تکرار شد. در ماده ۱۶۸ این قانون آمده است: «هر گروه یا جمعیت متشکل که «در برابر حکومت اسلامی» قیام مسلحانه کند، مادام که مرکزیت آن باقی است، تمام اعضا و هواداران آن که موضع آن گروه یا جمعیت با سازمان را می‌دانند و به نحوی در پیشبرد اهداف آن فعالیت و تلاش مؤثر دارند، «محاربند»، اگرچه در شاخه نظامی شرکت نداشته باشند».

به فرض، اگر بر قیام مسلحانه برای براندازی، عنوان «محاربه» صدق کند، ولی این عنوان با توجه به تعریف آن، قطعاً بر هوادارانی انطباق ندارد که به فعالیت‌های تبلیغی برای آن گروه مشغولند. فقها،

۱. میرمحمد صادقی، حسین، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، تهران: میزان، ۱۳۹۴، ص ۵۱.

۲. مجیدی، ۱۳۹۳، ص ۱۶۵. برخی از فقهای معاصر در این باره به تفصیل بحث کرده‌اند، از آن جمله سید محمود هاشمی در مقاله «تحدید موضوع حد المحارب» (نک: هاشمی، سید محمود، قرائات فقهیه معاصره، ج ۳، ص ۳۷۱: «المراد بالمحاربة، خصوص المحاربة بنحو الافساد فی الارض و خافة الناس، فلا يشمل محاربة البغاة لبغیهم»).

همکاران گروه محارب را که در جمع‌آوری اطلاعات یا نگه‌داری اموال آنان مشارکت دارند، محارب نمی‌دانند و تحت عنوان «طلیح» و «ردء»، مجازات دیگری برایشان بیان کرده‌اند.^۱ به هر حال، به لحاظ تعریفی که در فقه ارائه شده است، تردیدی وجود ندارد که محاربه با دو مؤلفه «برکشیدن سلاح» و «ایجاد ناامنی در میان مردم» شناخته می‌شود و این تعریف، کسانی را که حتی شورش مسلحانه در برابر حکومت اسلامی دارند، شامل نمی‌شود.^۲

با صرف نظر از این مناقشه‌های فقهی، مفهوم «براندازی» نیز به تعریف و تبیین نیاز دارد. اگر قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح را ملاک قرار دهیم، در ماده ۱۷ آن، براندازی به مفهوم «تغییر و نابودی اساس نظام جمهوری اسلامی ایران» مبنا قرار گرفته^۳ که تفسیری مضیق از براندازی است. قابل توجه است که در این قانون، موضوع جرم، «براندازی حکومت اسلامی» است و براندازی حکومت، براندازی سیستم حکومت و رژیم سیاسی کشور است، نه براندازی و تغییر دولت.^۴ البته در این ماده باید به تفاوت «جمهوری اسلامی» با «حکومت اسلامی» که «نوعی از آن است»، توجه داشت؛ یعنی تغییر نوعی از حکومت اسلامی به نوع دیگری از آن، مشمول این ماده نیست.

از سوی دیگر، وقتی مبنا، براندازی «نظام» است، نباید «هرگونه مخالفت با حاکمیت یا ارزش‌های آن» با برچسب براندازی همراه شود، بلکه مخالفان ساختاری با «کل نظام» که مخالفت خود را به شکل شورش، توطئه، مقاومت مسلحانه، فعالیت زیرزمینی و ترور ابراز می‌کنند، نیروهای برانداز هستند (اپوزیسیون کلی)، اما جناح‌های رقیب سیاسی که هدف آن‌ها بیش‌تر تصرف کرسی‌های قدرت است (اپوزیسیون قدرت‌طلب) یا کسانی که بدون نفی نظام به نقد سیاست‌های رایج می‌پردازند، (اپوزیسیون اصولی)، برانداز نیستند.^۵ از این رو، مبارزه سیاسی افراد یا گروه‌هایی که برای

۱. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۴، ص ۵۷۱.

۲. مؤمن، کلمات سدید، ص ۳۷۴: «او کان وجب علینا الاخذ بتفسیر الأصحاب. قدس سرهم. فی تفسیر المحاربة لکان لازمه أن لا یكون من یقوم باسلاح من وجه الدولة الاسلامیة فقط داخل فی عموم ألیاه المبارکة فانه حینئذ لم یشهر السلاح لآخافۃ الناس وللاخذ الأموال».

۳. مالمیر، محمود، شرح قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، تهران: دادگستر، چاپ چهارم، ۱۳۹۱، ص ۵۱.

۴. پیمانی، ضیاء‌الدین، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، تهران: میزان، ۱۳۹۵، ص ۷۱.

۵. آقابابایی، پیشین، ص ۲۴۴.

سرنگون کردن حکومت وقت انجام می‌شود، تا زمانی که پیش‌بینی‌های «نظامی» نکرده باشند، مشمول ماده ۱۸۷ نیستند.^۱

در یک نتیجه‌گیری کلی، کسانی را که فراتر از سیاست‌های جاری یک نظام یا متصدیان امور کشور با «نظام» مخالفند، به چند گروه می‌توان تقسیم کرد:

۱. مخالفانی که به لحاظ اعتقادی با اساس نظام اسلامی مخالفند و ایده دیگری درباره نظام سیاسی دارند؛
۲. مخالفانی که افزون بر مخالفت اعتقادی، با استفاده از فضاها «قانونی»، مخالفت خود را با مبانی نظام اظهار می‌کنند؛
۳. مخالفانی که افزون بر ایده مخالف و ابراز آن، با استفاده از شیوه‌های قانونی برای تغییر نظام می‌کوشند؛
۴. مخالفانی که ایده خود را برای تغییر نظام با روش‌های غیر قانونی مسالمت‌آمیز مثل انتشار نشریات و تجمعات غیر قانونی دنبال می‌کنند؛
۵. مخالفانی که براندازی و تغییر را از راه شیوه‌های غیر مسالمت‌جویانه و با توسل به زور و اسلحه تعقیب می‌کنند.

از میان گروه‌های پنج‌گانه، فقط گروه پنجم، مرتکب جرم «براندازی» است و اقدامات گروه‌های دیگر یا اساساً جرم نیست یا عنوان جرم براندازی بر آن صدق نمی‌کند و حتی اگر به فرض، جرم براندازی هم بر آنان اطلاق شود، ولی به دلیل آن‌که از نظر فقهی، براندازی، موضوع کیفر خاصی قرار نگرفته و به عنوان جرم تعریف نشده است، حکم خاصی برای آن‌ها در شرع وجود ندارد. در این حالت، هرچند «تعزیر» برای کسانی که از قانون تخلف می‌کنند، از سوی دادگاه صالح، جایز است، ولی چنین افرادی نه محاربند، نه باغی. برخی فقهای معاصر تصریح کرده‌اند که بغی، قیام مسلحانه در برابر حکومت اسلامی است و شامل مواردی نمی‌شود که اشخاص با انجام راه‌پیمایی و تظاهرات یا تشکیل گروه‌ها و احزاب درصدد تغییر نظام باشند.^۲

۱. پیمانی، پیشین، ص ۷۵.

۲. حسینی شیرازی، سید محمد، موسوعة استدلالیة فی الفقه الاسلامی، قم: مؤسسه الفکر الاسلامی، ۱۴۰۷، ص ۱۳۱.

بند دوم. دیدگاه قانون‌گذار ایران

در حقوق موضوعه جمهوری اسلامی ایران برابر مواد ۱۸۶ تا ۱۸۸ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰، قیام مسلحانه در برابر حکومت اسلامی و تمام اعضا و هواداران گروه قیام‌کننده که در پیشبرد اهداف آن فعالیت و تلاش مؤثر دارند، فرد یا گروهی که طرح براندازی حکومت اسلامی را بریزد و برای این منظور اسلحه تهیه کند و افرادی که در طرح براندازی حکومت اسلامی، خود را نامزد یکی از سمت‌های حساس حکومت کودتا کنند، محارب و مفسد فی الارض شناخته می‌شدند. قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ با نقض این مواد، قیام مسلحانه علیه حکومت اسلامی را بغی قلمداد کرد و از عنوان محاربه و افساد فی الارض خارج ساخت. ماده ۲۸۷ این قانون قید کرده است: «گروهی که در برابر اساس نظام جمهوری اسلامی ایران قیام مسلحانه کند، باغی محسوب می‌شود و در صورت استفاده از سلاح، اعضای آن به مجازات اعدام محکوم می‌گردند».

این اقدام قانون‌گذار سال ۱۳۷۰ عجیب به نظر می‌رسد که چگونه بدون توجه به منابع فقهی، جرمی را در قسمت حدود بیان کرده است، در صورتی که جرایم مستوجب حد از ابتدا در مستندات آیات و روایات و نوشته‌های فقهی تعیین شده‌اند و در هیچ کدام از این منابع، نشانی از بغی به عنوان جرم مستوجب حد دیده نمی‌شود. حتی در کتاب تحریرالوسیله امام خمینی (ره) به عنوان منبع اصلی قانون مجازات به بغی اشاره‌ای نشده است.^۱

بر اساس این قانون، گروه‌هایی که از طریق شبکه‌های اطلاع‌رسانی یا ماهواره‌ها، منشأ تحریک توده‌های مردم برای مقابله با حکومت می‌شوند، حتی اگر هدف استراتژیکشان، ساقط کردن نظام هم باشد، مشمول حکم براندازی نیستند. البته این سخن به آن معنا نیست که چنین اقداماتی شرعاً جایز است و از نظر حقوق کیفری اصلاً جرم‌انگاری نشده‌اند. در قانون مطبوعات سال ۱۳۶۴، تحریک صریح مردم به ارتکاب جرم یا جنایت بر ضد امنیت ملی، جرم دانسته شده است که اگر اثری بر آن مترتب شود، مجازات معاونت همان جرم است، وگرنه دارای مجازات مستقل است. (ماده ۲۵) در قانون مجازات اسلامی نیز «فعالیت تبلیغی» علیه «نظام» جمهوری اسلامی یا به نفع گروه‌ها و سازمان‌های مخالف نظام، به هر نحو، جرم شناخته شده است. (ماده ۵۰۰) بر مبنای این ماده، آن

۱. زراعت، عباس، جرم سیاسی، تهران: ققنوس، ۱۳۹۲، ص ۳۶.

دسته از تبلیغاتی، جرم هستند که علیه «کلیت نظام» و در واقع به قصد براندازی یا به نفع گروه‌ها و سازمان‌هایی انجام گیرند که آن‌ها قصد مبارزه با کلیت نظام و براندازی را دارند. در غیر این صورت، هر گاه انتقادی در مورد عملکرد یک مسئول با نهاد دولتی - بدون این‌که قصد کمک به برانداختن حکومت وجود داشته باشد - ابراز شود یا به نفع گروه‌ها و سازمان‌هایی تبلیغ شود که فقط نسبت به برخی عملکردها انتقاد داشته باشند، ولی با کلیت نظام مخالفتی ندارند، از شمول ماده ۵۰۰ خارج خواهد بود.

از سوی دیگر، باید توجه داشت که موضوع «فعالیت تبلیغی» علیه نظام که در ماده ۵۰۰ جرم‌انگاری شده، با «تبلیغ» مترادف نیست و اخص از مفهوم آن است. با ذکر کلمه «فعالیت» در این جا به دو نکته «تلاش و جدّیت» و «استمرار و تکرار» اشاره شده است؛ زیرا به تبلیغی که این دو خصلت را نداشته باشد، «فعالیت تبلیغی» گفته نمی‌شود. برای مثال، طلبه‌ای که به شکل نسبتاً مرتب و پیوسته یا متناوب به کار تبلیغ دینی می‌پردازد، دارای «فعالیت تبلیغی» است و «مبلّغ» نامیده می‌شود، ولی اگر احیاناً در یک مجلس از او خواسته شود که سخنرانی کند و او در طول سال فقط یکی دو مورد، برنامه تبلیغ در کار خود داشته باشد، امتیاز فعالیت تبلیغی به او تعلق نمی‌گیرد. هم‌چنین اگر یک بنگاه تجاری یا مؤسسه آموزشی صرفاً در یکی دو مورد، کار تبلیغی انجام دهد، فاقد «فعالیت تبلیغی» شمرده می‌شود. نامزدی هم که هنگام انتخابات به یک سخنرانی یا مصاحبه اکتفا کند، «فعالیت تبلیغی» انجام نداده است، مگر آن‌که همان یک مورد، مقدمات فراوان و شعاعی گسترده داشته باشد که به شکل فوق‌العاده، به «تنهایی» در حکم «جمع» شمرده شود. از این رو، این برداشت حقوقی را می‌توان پذیرفت که اگر کسی تنها یک بار یا به طور کاملاً محدود، در یک تظاهرات مردمی، در داخل یا خارج از کشور، سخنی علیه نظام بگوید، یا یک بار با ایستگاه‌های رادیو تلویزیونی مخالف مصاحبه کرده یا نامه‌ای را به یک سازمان بین‌المللی ارسال کند و منتشر سازد، شاید نتوان او را به انجام «فعالیت تبلیغی علیه نظام» محکوم کرد.^۱

متأسفانه برخی حقوق دانان گمان برده اند که این تفسیر مضیق به دلیل کلمه «تبلیغی» و نه «تبلیغ» در متن ماده ۵۰۰ است. از این رو، در نقد این تفسیر گفته‌اند: «حرف «ی» در انتهای واژه

۱. میرمحمد صادقی، حسین، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، تهران: میزان، ۱۳۹۴، ص ۷۱.

تبلیغی، یای نسبت بوده و مبین نوع فعالیت که همان تبلیغ است، می‌باشد.^۱ گفتنی است این محدودیت تفسیری و مفهومی، ناشی از کلمه «فعالیت» است که بر جد و جهد نسبت به یک کار مستمر دلالت دارد. از قبیل فعالیت آموزشی، فعالیت ورزشی و فعالیت تجاری که در هیچ کدام از این موارد، اقدام محدود و موردی و اتفاقی به حساب «فعالیت» شخص در آن زمینه گذاشته نمی‌شود. پس در این ماده با توجه به قید «فعالیت تبلیغی» و قید «علیه نظام»، جرم‌انگاری با رویکرد امنیتی به کم‌ترین حد کاهش یافته است. از این رو، این برداشت کاملاً غیر منصفانه است که قانون‌گذار، جمهوری اسلامی را به عنوان امری مقدس که «به هیچ نحوه نمی‌توان علیه آن سخنی راند یا ایرادها و اشکال‌های احتمالی آن را بیان کرد»، شناخته است. این منتقد بر اساس این برداشت، در نقد و اعتراض به قانون می‌نویسد: «بدون بیان ایرادات و اشکالات ساختاری و بحث و گفت‌وگو درباره آن [نظام] نمی‌توان به پویایی و پیشرفت آن امیدوار بود. سیاست کیفری قانون‌گذار در وضع این ماده، نگرانی‌هایی را در خصوص محدود کردن آزادی بیان و انتقاد از ساختار حکومتی یا حاکمان در پی داشته است. این سیاست کیفری بر افرادی که با سیاست‌ورزی و راه‌های مسالمت‌آمیز در راستای تغییر در مناسبات قدرت هستند، لباس برانداز می‌پوشاند. از این رو، این خطر وجود دارد که هر بحثی که از طرف مخالفان داخل حکومت مطرح شود، به نحوی، فعالیت تبلیغی علیه نظام تلقی می‌شود».^۲

با برداشتی که از این ماده صورت گرفته و مبنای نقد واقع شده است، موافق نیستیم؛ زیرا:

اول: «تبلیغ» را به «بیان» نباید تفسیر کرد؛ زیرا هر بیانی، تبلیغ نیست؛

دوم: «تبلیغ علیه جمهوری اسلامی» را به تبلیغ علیه «حاکمان» نمی‌توان تعمیم داد؛ زیرا جمهوری اسلامی، نام یک نظام سیاسی است، نه عنوانی برای افراد؛^۳

۱. سالاری، ۱۳۸۷، ص ۱۲۶.

۲. آقابابایی، پیشین، ص ۲۲۷.

۳. زراعت، پیشین، ص ۱۳۴: «مخالفت با نظام در صورتی است که با اصل نظام مخالفت شود. بنابراین، اگر سازمان‌ها یا گروه‌هایی اصل نظام را مشروع دانسته و تنها با برخی از برنامه‌ها و یا سیاست‌های آن مخالفت باشند، جزء سازمان‌های مخالف نظام محسوب نمی‌شوند».

سوم. بیان ایراد و انتقاد از ساختار حکومت را مصداق تبلیغ علیه نظام نباید دانست؛ زیرا بیان ایرادها، راهکاری در جهت تحکیم نظام و برطرف شدن عیب‌ها و نقص‌های آن است و «تبلیغ علیه» وقتی صدق می‌کند که «نیت سوء» را بتوان احراز کرد.^۱

توجه به این قیود و رعایت آزادی‌های اجتماعی و سیاسی شهروندان در اعتراض به حاکمان، با اشکال‌های ساختاری نظام تا وقتی به استناد این قانون اتفاق می‌افتد که حاکمان تحمل نقد خویش و نقد عملکردهای خود را داشته باشند، وگرنه ما هم معتقدیم اگر دولت مردان نخواهند حقوق شهروندی را محترم شمارند و در فضایی امنیتی درصدد باشند که منتقدان «خود» را منتقدان «نظام» معرفی کنند، از ماده ۵۰۰ کاری ساخته نیست. درست به همین دلیل، برای آن‌که بهانه قانونی از دست آنان گرفته شود، قانون باید صراحت و شفافیت کامل داشته باشد و راهی برای توجیه حاکمان باز نگذارد. این ماده و بسیاری از مواد دیگر چنین صراحتی ندارند و امکان سوء استفاده حاکمان تنگ‌نظر و خودخواه از آن‌ها وجود دارد.

متأسفانه، موضوع «امنیت» پیوسته به شکل یک شمشیر دولبه در نظام‌های مختلف مطرح است؛ زیرا از یک سو، چون موضوع مهم و اساسی امنیت^۲، اولین نیاز اجتماعی بشر و پایه و اساس هرگونه ترقی و تکامل است، مسامحه‌بردار نیست و هرگونه اغماض در این باره، با فلسفه حکومت در تضاد است. پس اقدام علیه امنیت، مجوز کافی برای برخورد حاکمیت با عوامل اخلاک‌گر است تا سایه ترس و نگرانی از زندگی شهروندان برداشته شود، ولی از سوی دیگر، این حق برای حاکمیت، وقتی در چارچوب واقعی خود محدود نشود، فضای جدیدی از ترس و نگرانی را بر زندگی شهروندان حاکم می‌سازد. همان گونه که افراد و گروه‌های ضد امنیت می‌توانند وجود داشته باشند، دولت‌ها هم می‌توانند احساس امنیت را از مردم سلب کنند. برای جلوگیری از وقوع یکی از این دو پدیده، باید تعریف روشنی از «اقدام علیه امنیت» از قانون وجود داشته باشد. متأسفانه، در قانون مجازات اسلامی، جای چنین تعریفی خالی است و حتی در خصوص این‌که چه اعمالی می‌توانند از مصداق‌های اعمال مضر به امنیت کشور باشند، شمارشی صورت نگرفته و راه برای برخوردهای سلیقه‌ای و سیاسی باز مانده است.

۱. پیمانی، پیشین، ص ۷۲: «با توجه به پیش‌بینی آزادی‌های فردی، اجتماعی در قانون اساسی و سایر قوانین، انتقاد از یک دستگاه اداری دولتی با یک مسئول آن حتی در رده‌های بالا، اگر سازنده و به قصد اصلاح و نشان دادن معایب و نقطه ضعف‌ها و بدون سوء نیت باشد، مشمول حکم ماده نمی‌شود».

برخی نویسندگان حقوقی گمان برده‌اند که این خلأ در قلمرو جرایم ضد امنیت، با استفاده از ماده ۱۶ قانون فعالیت احزاب جبران می‌شود که در آنجا احزاب از افعالی منع شده‌اند که نقض استقلال شمرده می‌شود و با استفاده از آزادی‌های مشروع دیگران و موازین اسلامی منافات دارند و از اقداماتی مانند اختلاف‌افکنی میان صفوف ملت، ایراد تهمت و افترا، دریافت کمک مالی از بیگانگان و نگه‌داری اسلحه غیر مجاز بازداشته شده‌اند. این توجیه برای رفع آن نقیصه کافی نیست؛ زیرا روشن است که موارد یادشده به عنوان مصداق‌های «اقدام علیه امنیت ملت» و «تعیین محدوده» آن ذکر نشده و نسبت به موارد مشکوک هم ضابطه‌ای برای ضد امنیتی بودن جرم ارائه نشده است.

گفتار پنجم. مرجع تصمیم‌گیری در خصوص نقض حریم خصوصی

وقتی حریم خصوصی در اثر ملاحظات امنیتی تزلزل پیدا می‌کند و نقض پذیر می‌شود، یک مسئله مهم این است که چه فرد یا نهادی، مرجعیت نهایی برای تصمیم‌گیری در مسائل امنیتی را دارد؟ در قوانین جمهوری اسلامی ایران، دخالت کاملاً محدود و مقیدی برای مجلس شورای اسلامی و قضات قوه قضاییه در نظر گرفته شده و بالاترین مرجع امنیتی، با بیش‌ترین اختیارات، شورای عالی امنیت ملی است که قانون اساسی ۱۳۶۸، آن را تعیین و مقرر کرده است.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با توجه به نیازها و واقعیت‌های حکمرانی در حوزه‌های مختلف در سال ۱۳۶۸ بازنگری و اصلاح شد. یکی از تأسیسات ایجادشده در قانون اساسی در بازنگری، پیش‌بینی شورای عالی امنیت ملی در اصل ۱۷۶ این قانون بود که مصوبات آن بعد از تأیید رهبری لازم الاجراست. این شورا به عنوان مرجع عالی سیاسی و امنیتی تا حدّ زیادی جای‌گزین فرآیندهای پیش‌بینی‌شده در اصل ۷۹ قانون اساسی شده است. این شورا که به ریاست رئیس جمهور به عنوان رئیس قوه مجریه و با حضور رؤسای قوه مقننه و قضاییه و مقامات ارشد نظامی و امنیتی تشکیل می‌شود و مصوبات آن با تأیید مقام رهبری برای همه لازم‌الاجراست، تا حدّ زیادی توانسته است هنگام تصمیمات سخت در مسائل امنیتی یا مدیریت حوادثی که نیازمند اعلام وضعیت اضطراری است، ظرفیت و انسجام لازم و فوری را برای اقدامات مورد نظر حاکمیت در حوادث فراهم آورد. به نظر می‌رسد بعد از بازنگری قانون اساسی نیز استفاده از ظرفیت اصل ۱۷۶ در عمل، تقاضای تصویب

۱. حجتی، مهدی، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، تهران: دادستان، چاپ دوم، ۱۳۹۰، ص ۷۴۵.

مقررات اضطراری مطابق اصل ۷۹ قانون اساسی را به حاشیه برده است و شاهد اجرای ترتیبات موضوع این اصل نبوده‌ایم.

محور وظایف شورای عالی امنیت ملی شامل سه حوزه است. اولین وظیفه این شورا در اصل ۱۷۶ قانون اساسی، سیاست‌گذاری در حوزه دفاعی و امنیتی است که بایستی در حدود سیاست‌های کلی ابلاغی مقام معظم رهبری صورت گیرد. در نتیجه، می‌توان این کارکرد شورا را استثنایی بر صلاحیت عام مجلس در وضع قانون طبق اصل ۷۱ قانون اساسی دانست. وظیفه دوم شورا، هماهنگ‌سازی فعالیت‌های سیاسی، اطلاعاتی، اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی در مورد تدبیرهای کلی دفاعی و امنیتی دانسته شده است؛ چون عرصه اجتماعی، ابعاد گوناگونی را دربرمی‌گیرد. در عمل، نتیجه فعالیت شورا، یک تصمیم اجرایی عالی است که از طریق همکاری و مشارکت رؤسای قوای مقننه و قضاییه و هم‌چنین نمایندگان رهبری با اعضا و دست‌اندرکاران قوه مجریه گرفته می‌شود و نیروهای تحت اختیار قوه مجریه اجرا می‌کنند. شورای عالی امنیت ملی از نظر امکانات به وزارت‌خانه‌ها و ارگان‌های عمومی کشور که بیش‌تر در قوه مجریه متمرکز است، نیازمند است و ماهیت بالادستی شورای امنیت ملی، مقتضی تصمیم‌گیری و راهبردی دیگر نهادهایی اجرایی است. با توجه به نص اصل ۱۷۶ قانون اساسی، شورای عالی امنیت ملی در تمامی اموری که جنبه امنیتی دارد، در محدوده بندهای سه‌گانه این اصل به طور مطلق دارای صلاحیت است. بنابراین، در زمان رخ دادن شرایط امنیتی، سازوکار این اصل فعال می‌گردد و شورا اقدامات لازم را برای مدیریت شرایط امنیتی انجام می‌دهد.^۱

نتیجه‌گیری

امروزه روابط میان حکومت‌ها و شهروندان به گونه‌ای است که مدیریت اجتماعی در مفهوم عام خود برای پیشبرد و اجرای برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، تربیتی و ارتباطی ناگزیر است در اعماق و جزئیات زندگی اجتماعی و فردی شهروندان حضور یابد. توسعه مناسبات اقتصادی و اجتماعی ایجاب می‌کند که دولت در روابط خصوصی ملت دخالت کند. به این ترتیب،

۱. آریان‌نژاد، علی و همکاران، «سازوکار مطلوب وضع الزامات حقوقی در شرایط اضطراری مبتنی بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، پژوهش‌نامه حقوق اسلامی، سال بیست و سوم، شماره ۵۸، ۱۴۰۱، ص ۵۴۶.

اموری که در گذشته جزو حقوق خصوصی شهروندان بود، هم اکنون تحت نفوذ حقوق عمومی و اقدامات ناشی از اعمال حاکمیت دولت است. پس نمی‌توان به بهانه دفاع از حریم خصوصی، دیواری نفوذناپذیر میان دولت و ملت به وجود آورد و به دولت و سازمان‌های آن، اجازه کوچک‌ترین دخالتی در روابط و مسائل خصوصی افراد را نداد. البته دولت‌ها نمی‌توانند هر از گاهی به بهانه مشروعیت سیاسی و تولید مدیریت اجتماعی، حریم خصوصی افراد را نقض کنند. دولت‌ها که در تحقیق حاضر، منظور از آن، حکومت است، در مواردی هم چون حفظ امنیت نظام اسلامی می‌توانند وارد حریم خصوصی شهروندان شوند.

البته نقض حریم خصوصی در چالش با تهدیدهای امنیتی و تروریسم سایبری بدون رعایت قانون و تناسب تحدید حریم خصوصی با اقدام صورت‌گرفته، نقض حقوق شهروندی و خلاف قواعد حقوق بشری به شمار خواهد آمد. بنابراین، از یک طرف، امنیت به عنوان یک مفهوم حاکمیتی نیازمند اقداماتی است که به محدودیت یا تعلیق برخی حقوق مرتبط با حریم خصوصی افراد منجر می‌شود و از سوی دیگر، گاهی ممکن است اقدامات افراد در چارچوب حریم خصوصی‌شان، تهدیدی برای امنیت ملی باشد. از این رو، هنر باید برقراری توازن بین این دو باشد. امنیت ملی نباید بهانه‌ای برای نقض حریم خصوصی و رعایت حریم خصوصی نباید بهانه‌ای برای اقدامات علیه امنیت ملی باشد.

فهرست منابع

۱. فارسی

الف) کتاب

۱. آخوندی، محمود، آیین دادرسی کیفری، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۹۰.
۲. آقابابایی، حسین، بررسی فقهی حقوقی جرم براندازی، تهران: سمت، چاپ اول، ۱۳۸۶.
۳. انصاری، ولی‌الله، حقوق تحقیقات جنایی، تهران: سمت، چاپ سوم، ۱۳۹۶.
۴. پیمانی، ضیاءالدین، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، تهران: میزان، ۱۳۹۵.
۵. حجتی، مهدی، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، تهران: دادستان، چاپ دوم، ۱۳۹۰.
۶. زراعت، عباس، جرم سیاسی، تهران: فتنوس، ۱۳۹۲.
۷. عمید زنجانی، عباس علی، مبانی فقهی کلیات قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۲.
۸. مال میر، محمود، شرح قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، تهران: دادگستر، چاپ چهارم، ۱۳۹۱.
۹. محسنی، فرید، حریم خصوصی اطلاعات (مطالعه کیفری در حقوق ایران، ایالات متحده آمریکا و فقه امامیه)، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۹.
۱۰. محمودی، سید علی، عدالت و آزادی، تهران: اندیشه معاصر، چاپ اول، ۱۳۷۶.
۱۱. میرمحمد صادقی، حسین، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، تهران: میزان، ۱۳۹۴.

ب) مقاله

۱. آریان نژاد، علی و همکاران، «سازوکار مطلوب وضع الزامات حقوقی در شرایط اضطراری مبتنی بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، پژوهش نامه حقوق اسلامی، سال بیست و سوم، شماره ۵۸، ۱۴۰۱.
۲. آقابابایی، حسین، «لیبرالیسم، حریم خصوصی و قانون پاتریوت»، فصل نامه سیاست، دوره چهارم، شماره ۲، ۱۳۸۹.

۳. آقای طوق، مسلم، «بایسته‌های حقوق اساسی مدیریت وضعیت‌های اضطراری با تأکید بر کووید ۱۹»، تحقیقات حقوقی، ویژه‌نامه حقوق کرونا، شماره ۲، ۱۴۰۰.
۴. اقبالی، کیوان، «نقش دستگاه قضایی در نظارت بر تعلیق ایفای تعهدات حقوق بشری دولت‌ها»، مجله حقوقی دادگستری، دوره هشتاد و پنجم، شماره ۱۱۴، ۱۴۰۰.
۵. امیر ارجمند، اردشیر و مشتاق زرگوش، «نظریه اضطراری حقوق اداری: تصمیم‌گیری، اجرا و نظارت»، تحقیقات حقوقی، شماره ۴۷، ۱۳۸۷.
۶. انصاری، باقر، «حریم خصوصی و حمایت از آن در حقوق اسلام، تطبیقی و ایران»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۶، ۱۳۸۳.
۷. جلالی، علی‌رضا و محمد ابوعطا، «وضعیت اضطراری و محدودیت حقوق بنیادین: بررسی اقدامات حکومت ایتالیا در مقابله با بیماری کووید ۱۹»، پژوهش حقوق عمومی، دوره بیست و دوم، شماره ۶۷، ۱۳۹۹.
۸. خاکی، مینو و همکاران، «مبانی قرآنی و قواعد مشروعیت نظارت دستگاه‌های دولتی بر حریم خصوصی»، مطالعات قرآنی، دوره چهاردهم، شماره ۵۴، ۱۴۰۲.
۹. رحیم خویی، الناز و حسین رستم‌زاد، «تحلیل و نقد عملکرد دیوان اروپایی حقوق بشر در برخورد با ادعاهای نقض ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر»، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۵۶، ۱۳۹۶.
۱۰. رفیعی، علی و همکاران، «پاسخ‌های غیر کیفری به مسائل نقض حریم خصوصی در سیاست جنایی ایران و کانادا»، پژوهش حقوق کیفری، دوره یازدهم، شماره ۴۱، ۱۴۰۱.
۱۱. شریعت، فرشاد، «پارادوکس آزادی و بردگی در لیبرالیسم جان لاک»، فصل‌نامه سیاست، دوره چهل و چهارم، شماره ۱، ۱۳۹۳.
۱۲. شهریار، شهره و همکاران، «دولت در فلسفه سیاسی جان لاک و کارل مارکس: رویکرد تطبیقی-انتقادی»، جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال سوم، شماره ۹، ۱۳۹۹.
۱۳. عبدالله‌زاده، انس و علی حاجی‌پور کندرود، «تحلیل چالش‌های دولت الکترونیک با حریم خصوصی اطلاعاتی شهروندان»، فصل‌نامه حقوق اداری، سال نهم، شماره ۳۱، ۱۴۰۱.
۱۴. فروغی، فضل‌الله و همکاران، «مبانی ممنوعیت نقض حریم خصوصی در حقوق ایران و امریکا»، مطالعات حقوقی، دوره ششم، شماره ۳، ۱۳۹۳.

۱۵. فریادی، مسعود و مرتضی نجابت‌خواه، «چالش‌های حقوق اداری در مدیریت شرایط اضطراری بهداشتی»، تحقیقات حقوقی، ویژه‌نامه حقوق کرونا، شماره ۲، ۱۴۰۰.
۱۶. گرجی ازندریانی، علی‌اکبر و جعفر شفیعی سردشت، «اعمال نظارت‌ناپذیر قضایی دولت»، دانش حقوق عمومی، سال دوم، شماره ۵، ۱۳۹۲.
۱۷. محبی، داوود و حامد کرمی، «ماهیت‌شناسی الگوهای پاسخ به وضعیت‌های اضطراری با تأکید بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، آفاق امنیت، سال هشتم، شماره ۳۲، ۱۳۹۵.
۱۸. مشهدی، علی و سجاد محمدلو، «مطالعه تطبیقی مفهوم و معیار حق حریم خصوصی؛ رویکرد عرفی و فرهنگی»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره بیستم، شماره ۲، ۱۳۹۵.
۱۹. موسی‌زاده، ابراهیم و فهیم مصطفی‌زاده، «نگاهی به مفهوم و مبانی حق بر حریم خصوصی در نظام حقوقی عرفی»، بررسی‌های حقوق عمومی، سال اول، شماره ۲، ۱۳۹۱.
۲۰. نجارزاده هنجنی، مجید، «تحلیل حقوقی وضع محدودیت‌های ناشی از همه‌گیری کرونا در حقوق ایران؛ در جست‌وجوی اداره صلاحیت‌دار»، مجله حقوق اداری، سال هفتم، شماره ۲۳، ۱۳۹۹.
۲۱. نصیری، بهرام و همکاران، «بررسی تطبیقی مفهوم تساهل و تسامح در اندیشه جان‌لاک و اندیشه اسلامی مبتنی بر قرآن»، پژوهش دینی، شماره ۴۴، ۱۴۰۱.
۲۲. نقیبی، ابوالقاسم و معصومه شهریاری، «مفهوم، مصادیق و مستندات فقهی و حقوقی حریم خصوصی خانواده»، دوفصل‌نامه علمی فقه و حقوق خانواده، دوره بیست و هفتم، شماره ۷۶، ۱۴۰۱.
۲۳. هوسمن، کارل، «حرمت حریم خصوصی در برابر حق مردم به آگاهی از رویدادها»، ترجمه: داوود حیدری، رسانه، شماره ۲۷، ۱۳۷۵.
۲۴. ویژه، محمدرضا و آزاده سادات طاهری، «تحلیلی بر قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات در پرتو اصول کلی حاکم بر دسترسی به اطلاعات»، فصل‌نامه پژوهش حقوق، شماره ۳۵، ۱۳۹۰.

۲. عربی

۱. حسینی شیرازی، سید محمد، موسوعة استدلالیة فی الفقه الاسلامی، قم: مؤسسه الفکر الاسلامی، ۱۴۰۷.
۲. حلی، نجم‌الدین جعفر بن الحسن، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۴۰۸.

۳. شریف رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، محقق: صبحی صالح، چاپ اول، قم: هجرت، ۱۴۱۴.
۴. طوسی، ابوجعفر محمد بن الحسن، الاقتصاد فيما يتعلق بالاعتقاد، بیروت: دار الاضواء، ۱۴۲۲.
۵. موسوی خمینی، سید روح‌الله، تحریر الوسیلة، قم: دار الکتب الاسلامیة، چاپ دوم، ۱۳۹۰ق.
۶. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۴.

3. Latin Source

1. Fritscher, Lisa, **Usa Patriot Act: Pros And Cons**, ۲۰۰۷, Retrieved In: 5/11/2012, In:www.life-script.com.
2. Wadsworth, Madison Racquel, **The Pa Tri Ot Act: How It Hurts Democracy**, Honors In University Studies With Departmental Honors Tn Political Science In The Department Of Political Science, 2019.
3. Warbrick, Colin, “**The European Response To Terrorism In An Age Of Human Rights**”, The European Journal Of International Law, Vol. 15, No. 5, 2004.
4. Bharadwaj, Aditya, **Counter-Terrorism And Human Rights: An Analysis**, International Journal Of Law Management & Humanities, Vol. 6, 2023.

Investigating the government's special authority in violating citizens' privacy in emergencies

Seyyed Reza Mousavi¹

Seyyed Mohammad MirKhalili²

Seyyed Hossein Hashemi³

Abstract

The right to privacy is one of the basic human rights, according to which the life and privacy of individuals should be protected from any invasion and interference, especially by government officials. This is normal, but in the event of an emergency, due to special requirements and circumstances, the right to privacy may be restricted. These restrictions can be examined from the perspective of administrative law as well as criminal law. From the point of view of administrative law, in the event of an emergency situation, administrative officials have special powers that sometimes cannot be judicially supervised during the crisis period. From the point of view of criminal law, the government can enter the territory of the government in issues whose harmful results affect the society, such as muharibeh, "drawing weapons to frighten the people", "corruption in the land", "crimes against the country's internal and external security" and "armed uprising against the Islamic government". Therefore, according to Imamiyyah jurisprudence, Iran's legislator has allowed entering into the privacy of people in the specified conditions. Of course, in the issue of security crimes like Baghi, the way of abuse and victimization of citizens should be closed by correct interpretation of laws and separation of crimes against security from political crimes. The research method in this study is descriptive-analytical, and the library method was used to collect the sources.

Keywords: Right to privacy, state of emergency, government, administrative rights, citizens.

1. seyedrmousavi6@gmail.com

2. mirkhalili@ut.ac.ir

3. shhashemi@gmail.com